

تحلیلی پیش‌انظری از الگوی جامعه مقاوم برای حفظ انقلاب اسلامی

* سید جلال دهقانی فیروزآبادی

** حسین آجورلو

چکیده

سؤال اصلی مقاله این است که جامعه مقاوم به عنوان یک پیش‌نظریه اسلامی که فکر اولیه آن توسط امام موسی صدر بیان شد چه جامعه‌ای است و چه ویژگی‌هایی دارد و آیا می‌توان از آن برای حفظ انقلاب اسلامی ایران در برابر تهدیدات توسعه‌طلبانه قدرت‌های بزرگ استفاده کرد؟ جامعه مقاوم در مقابل جامعه منفعل قرار دارد و دارای ویژگی خاصی است که مانع اصلی توسعه‌طلبی و تسلط قدرت‌های بزرگ بر کشورهایی است که خواهان استقلال سیاسی و اقتصادی هستند. بنابراین، در صورت تحلیل درست و تطبیق صحیح آن با شرایط کنونی می‌توان از این الگو به عنوان یکی از راه‌های حفظ انقلاب اسلامی ایران، استفاده کرد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، جامعه مقاوم، جامعه منفعل، توسعه‌طلبی.

jdehghani20@yahoo.com

hoajorloo@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۸/۱۲

*. استاد دانشگاه علامه طباطبایی.

** دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل و دیپلماسی.

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۵/۰۸

مقدمه

امروز که انقلاب اسلامی ایران از هر سو با زیاده‌خواهی و توسعه‌طلبی سیاسی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان بین‌المللی و منطقه‌ای آنها روبه‌روست، تبیین الگویی برای مقاومت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و در صورت لزوم نظامی در برابر این تهدیدها، ضروری به نظر می‌رسد. این مقاومت با توجه به روح انقلاب اسلامی باید دارای دو ویژگی باشد: اسلامی بودن (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹) و داشتن تجربه تاریخی موفق. نخستین الگوی جامعه مقاوم را امام موسی صدر در لبنان با توجه به اوضاع آن زمان لبنان ارائه کرد. این الگو با حمایت جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب، به یکی از عوامل پیروزی‌های جریان مقاومت لبنان در برابر توسعه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی تبدیل شد.

امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، در سال ۱۹۵۹ از طرف مراجع ایران و به توصیه مرجع دینی لبنان، آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین، به عنوان رهبر دینی از ایران به لبنان مهاجرت کرد. (شرف‌الدین، ۲۰۰۲: ۱۱۵) ایشان به دلیل تربیت در مکتب اصیل شیعه و همین‌طور برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فرد در مدیریت و رهبری، به اصلاح امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی طایفه شیعه لبنان - که فراتر از وظایف شناخته‌شده روحانیت آن زمان بود - اقدام کرد، ولی متأسفانه در سال ۱۹۷۸ به شکل مشکوکی از صحنه لبنان حذف شد که بی‌شک اقداماتش در قضیه فلسطین یکی از اسباب این امر بود. (فضل‌الله، ۲۰۰۳: کنعان، ۲۰۰۶؛ مرادی، ۱۳۸۲؛ Halawi, 1992, Ajami, 1986)

چند ماه پس از ربوده شدن ایشان، تحولی بزرگ به نام انقلاب اسلامی ایران، در جهان روی داد. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ره، دارای اهداف بلند و گفتمان‌های ارزشمندی بود که می‌توان به استقلال‌طلبی، اسلام سیاسی و استکبارستیزی آن اشاره کرد. این انقلاب در طول این سه دهه، دستاوردهای زیادی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در داخل و خارج از مرزهای خود، در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است. (درخشه، ۱۳۹۰)

به دلیل ناسازگاری گفتمان‌های انقلاب اسلامی با اهداف امپریالیستی برخی قدرتهای

بین‌المللی و منطقه‌ای، آنها در صدد نابودی آن هستند؛ چنان‌که در این سه دهه با ابزارهای قدرت خود همچون جنگ، تهدید، عملیات تروریستی، ایجاد فتنه‌های داخلی، تحریک قومیت‌ها و بالاخره تحریم اقتصادی، کوشیده‌اند مردم ایران را به عقب‌نشینی از این نوع گفتمان‌ها وادارند. برای خنثی کردن این توطئه‌ها راه‌های مختلفی وجود دارد که به نظر می‌رسد الگوی جامعه مقاوم می‌تواند در این شرایط، راهگشا باشد.

گفتنی است با پیشرفت‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بشر در دو قرن اخیر، هر روز بر نقش و تأثیر جامعه در عرصه حساسی چون سیاست خارجی و امنیت، افزوده و در مقابل، نقش دولت‌ها در این عرصه کاسته شده است. البته طرح این مباحث به این معنا نیست که دیگر دولت‌ها نقش‌آفرینان اصلی نیستند، بلکه باید گفت اگرچه از نقش آنها کاسته شده است، همچنان نقش اصلی را در نظام بین‌الملل دارند.

این مقاله بر اساس این پرسش‌ها شکل گرفته است: «جامعه مقاوم چه جامعه‌ای است، چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه می‌توان از آن برای حفظ انقلاب اسلامی ایران در برابر تهدیدهای توسعه‌طلبانه قدرت‌های بزرگ استفاده کرد؟»

فرضیه‌ای که بتواند پاسخ‌گوی این پرسش‌ها باشد، این است که جامعه مقاوم در مقابل جامعه منفعل قرار دارد و دارای ویژگی خاصی است که مانع اصلی توسعه‌طلبی و سلطه‌جویی قدرت‌های بزرگ در برابر کشورهای که خواهان استقلال سیاسی و اقتصادی هستند، می‌شود. در صورت تحلیل درست و تطبیق صحیح این ویژگی با شرایط کنونی، می‌توان از آن برای حفظ انقلاب اسلامی ایران استفاده کرد.

توسعه‌طلبی

سلطه‌ناپذیری انقلاب اسلامی و توسعه‌طلبی قدرت‌های بزرگ همچون ایالات متحده آمریکا یکی از عوامل اصلی تضاد بین آنهاست. قدرت‌های بزرگ که نقش‌آفرینان اصلی نظام بین‌الملل به شمار می‌روند، به طور سنتی به دنبال توسعه اهداف امپریالیستی خود هستند. آنها در راه کسب قدرت و حفظ و افزایش آن، دست به اقداماتی می‌زنند که متناسب با زمان و مکان، متفاوت است، ولی هدف غایی آن ثابت است.

برای مثال، توسعه‌طلبی کلاسیک و سنتی این‌گونه بوده است که دولت قوی‌تر با اعزام نیروی نظامی به داخل سرزمین دیگر، آن را اشغال می‌کرد تا به این وسیله، قدرت خود را در عرصه بین‌المللی افزایش دهد. دیگر کشورهای ضعیف تصمیم‌گیرنده نیز برای بقای خویش، برتری کشور مهاجم را می‌پذیرفتند و امنیت و حاکمیت خود را از طریق تعامل، تسامح و سازش با قدرت برتر تأمین می‌کردند. (مونکلر، ۲۰۰۸: ۲۶ - ۱۹) به طور کلی، نقش و کارکرد قدرت سخت یا نظامی در مداخله‌گرایی، عینی است و از الگوهای معطوف به اجبار، درصد وادار کردن دیگری به پذیرش اهداف، منافع و مطلوبیت‌های خود است. (قربانی شیخ‌نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۳)

نباید تصور کرد که در دوره کنونی، توسعه‌طلبی به شکل سنتی وجود ندارد، بلکه هنوز هم ابزاری مهم برای حفظ و افزایش قدرت به شمار می‌رود و امروزه استفاده از ابزارهای قدرت نرم نیز به آن افزوده شده است. بعد از جنگ سرد، جنگ بین‌المللی به روشی مذموم مبدل شده بود. از این‌رو، اعمال نفوذ غیرقهرآمیز، با رنگی از مسالمت، مورد توجه قرار گرفت. عواملی همچون پیشرفت‌های تکنولوژیکی تسلیحات و اطلاعات، پرهزینه بودن و ویرانگری جنگ‌ها، موجب توجه بیشتر محافل سیاسی و علمی به قدرت نرم شد.

جوزف نای^۱ نظریه‌پرداز قدرت نرم، این مفهوم را توانایی اعمال‌کننده قدرت، در جذب یا دفع بازیگران دیگر، برای رسیدن به مطالبات خود تعریف کرده است؛ (امام‌زاده فرد، ۱۳۸۹: ۱۴۹) یعنی یک قدرت منطقه‌ای یا بین‌المللی، برای توسعه‌طلبی و دستیابی به اهداف خود، می‌کوشد با استفاده از ابزارهای فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی و تکنولوژیکی، جامعه و افکار عمومی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. (Nye, 2004) تعریف ساده‌تر آن، استفاده از ابزار غیرنظامی برای رسیدن به اهداف سیاسی است؛ به این صورت که وقتی مردم یک کشور برتری فرهنگ خارجی را بپذیرند، در حقیقت، سلطه دیگران را بر خود می‌پذیرند. جهت‌دهی فرهنگ غالب، به طور معمول، با قدرت‌های بزرگ اشاعه‌دهنده آن است.

گفتنی است که قدرت نرم همواره در دستیابی به اهداف توسعه‌طلبانه موفق نیست و قدرت‌ها بیشتر اوقات با استفاده از قدرت هوشمند، یعنی به‌کارگیری هم‌زمان قدرت سخت و

1. Joseph Nye.

نرم، بر اساس نیاز استراتژیک خود، تحقق اهداف توسعه‌طلبانه‌شان را دنبال می‌کنند. سوزان ناسل^۱ قدرت هوشمند را «ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم، در مقابله با تهدیدها» می‌داند و گفته است: «منابع اجباری^۲ و اقتاعی^۳ شامل توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک، باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن، تداوم برتری یک کشور را تضمین کند». (قربانی شیخ‌نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که برای مقابله با توسعه‌طلبی قدرت‌های بزرگ که برای تحت فشار قرار دادن جریانات استقلال‌خواه و ظلم‌ستیزی همچون انقلاب اسلامی ایران، از قدرت هوشمند بهره می‌برند، چه راهکاری وجود دارد؛ زیرا در عرصه مقابله سخت‌افزاری و نظامی، بیشتر اوقات پیروزی با طرفی است که از امکانات نظامی و برتری اطلاعاتی و امنیتی برخوردار باشد و در عرصه نرم‌افزاری نیز طرفی پیروز است که قدرت تأثیرگذاری بیشتری در جامعه و افکار عمومی داشته باشد.

امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، با مشاهده قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری رژیم صهیونیستی که برای تحقق اهداف توسعه‌طلبانه خود از شیوه سنتی، یعنی اشغالگری و مقهور کردن کشورهای اطراف؛ و از شیوه جدید، یعنی قدرت نرم و تأثیرگذاری در جامعه برای پذیرش برتری این رژیم و در نتیجه مشروعیت دادن به توسعه‌طلبی خود استفاده می‌کرد؛ الگوی جامعه مقاوم را برای ملت‌های مورد تهدید توسعه‌طلبی قدرت برتر ارائه داد تا مانع دستیابی آنها به اهداف خود شود.

ایجاد جامعه مقاوم در جمهوری اسلامی ایران و رسیدن به شکل ایده‌آل آن، به تبیین و تحقیق علمی و عملی زیادی نیاز دارد تا بتواند ابزاری کارآمد برای حفظ انقلاب اسلامی باشد.

تعریف جامعه مقاوم

جامعه مقاوم از دو واژه «جامعه» و «مقاوم» ترکیب شده است. واژه جامعه از نظر لغوی، به گردآورنده، توده مردم و صنفی از مردم، معنا شده است. (عمید، ۱۳۷۵: ۷۸۸) از لحاظ مفهومی

1. Suzanne Nossel.

2. Coercing.

3. Convincing.

نیز تعاریف زیادی از آن شده که به برخی از آنها می‌پردازیم. جان دیویی^۱، فیلسوف و نظریه‌پرداز پراگماتیسم، با تعریفی مضیق از جامعه، آن را به همزیستی انسان‌ها محدود می‌کند. وی جامعه را متشکل از افرادی تعریف می‌کند که با هم هستند یا با هم زندگی می‌کنند. (سجادی و نورآبادی، ۱۳۸۹: ۲۹) چالمرز جانسون^۲، جامعه‌شناس حوزه انقلاب، جامعه را بر جبر استوار می‌داند و می‌گوید: «جامعه عبارت است از گونه‌هایی از نظم که توسط گروهی از افراد بر سایرین تحمیل شده و تداوم آن توسط جبر و قوه قهریه، یعنی برقراری انضباط اجباری تضمین می‌شود». (معیدفر، ۱۳۸۶: ۴۸) گرهارد و جین لنسکی در کتاب «جوامع بشری» (Lenski and Lenski, 1982) جامعه را به نوعی همیاری و همکاری، محدود کرده‌اند: «جامعه عبارت است از گروهی خودمختار از افراد متعلق به یک نوع و متشکل به شیوه همیاری». (مهام، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

شهید مطهری در تعریفی وسیع، جامعه را به تمام روابط اجتماعی که در میان انسان‌هاست، گسترش می‌دهد:

مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند، جامعه را تشکیل می‌دهند... و به تعبیر دیگر، جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها، در یکدیگر ادغام شده‌اند و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند. (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۸ و ۱۹)

واژه مقاوم از نظر لغوی، به ایستادگی‌کننده، پابرجا، و در برابر کسی ایستادن و مقاومت کردن (عمید، ۱۳۷۵: ۲۲۸۹) معنا شده است. مقاومت، عموماً به حرکتی گفته می‌شود که یک قومیت نژادی، پیروان یک مذهب و مردم یک کشور، بر ضد بیگانگانی که سرزمین یا فرهنگ آنها را اشغال یا تهدید کرده‌اند، انجام می‌دهند تا مانع دستیابی متجاوزان به اهدافشان شوند.

جامعه مقاوم مفهومی چند وجهی است. از این رو برای تعریف آن، باید بر اساس علم منطق عمل کرد که می‌گوید برای تبیین و تحلیل بهتر برخی مفاهیم، باید ابتدا مفاهیم ضد آنها را

1. John Dewey.
2. Chalmers Johnson.

بشناسیم. به همین منظور، ابتدا مفهوم جامعه منفعل را بررسی می‌کنیم که در مقابل جامعه مقاوم قرار دارد و متضاد آن به شمار می‌رود.

جامعه منفعل جامعه‌ای است که مردم و به تبع آن دولت، به اتفاقات و تهدیدهای پیرامون خود، از جمله توسعه‌طلبی قدرت برتر، چه به صورت سخت‌افزاری و چه به صورت نرم‌افزاری، واکنش چشمگیری نشان نمی‌دهند و در برابر آن، مقاومت و ایستادگی نمی‌کنند، بلکه حاکمیت و برتری متجاوزان را بر شئون مختلف خود می‌پذیرند و به تدریج دچار استحاله می‌شوند. جامعه مقاوم در مسیری مخالف مسیر این جامعه عمل می‌کند تا مانع اشغال فیزیکی و فرهنگی کشور خود شود.

نمونه تاریخی یک جامعه مقاوم را، البته نه به شکل کامل آن، امام موسی صدر در جنوب لبنان تأسیس کرد و بعد از ایشان، گروه‌های مقاومت لبنانی، یعنی حزب الله و جنبش امل، آن را تداوم بخشیدند. همین جامعه مقاوم در کنار عوامل دیگر، همچون همسویی با گفتمان‌های انقلاب اسلامی، توانست با امکانات اندک، رژیم صهیونیستی را به تخلیه اراضی اشغالی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ وادارد؛ همچنین در سال ۲۰۰۶ در جنگ ۳۳ روزه، این رژیم را شکست داد که تقریباً در تاریخ مناقشات اعراب و رژیم صهیونیستی بی‌نظیر بود. این امر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با داشتن مفهوم انقلاب اسلامی، از نظر گفتمانی با مشکل اساسی روبه‌رو نیست، بلکه نیازمند زمینه‌سازی در بخش‌هایی است که تا حدودی در آنها ضعف دارد.

زمینه‌های ایجاد جامعه مقاوم

برای تشکیل جامعه مقاوم که انقلاب اسلامی را در برابر تهدیدهای نرم و سخت حفظ کند، زمینه‌ها و ملزوماتی لازم است. هر یک از این زمینه‌ها و ملزومات را به اختصار در ادامه توضیح می‌دهیم:

۱. دیدگاه توحیدی

مهم‌ترین زمینه ایجاد جامعه مقاوم، دیدگاه توحیدی در میان مسئولان و جامعه است. این امر

مانع دید زمینی و مادی‌گرایانه به مسائل جامعه می‌شود؛ زیرا اعتقاد به خدا در برانگیختگی درونی جامعه بسیار مؤثر است. در طول تاریخ، دیدگاه‌های مختلفی درباره خدا در ابعاد دینی، کلامی و فلسفی وارد گفت‌وگوهای انسانی شده، (رستگار و وارث، ۱۳۸۷: ۷۹) اما کارکرد دیدگاه توحیدی، بسیار مثبت بوده است.

یکی از اصلی‌ترین دستاوردهای دیدگاه توحیدی، معنویت است. معنویت، برآیندی از مجموعه اعمال و عبادات است که خاستگاه آنها، اعتقاد به خدا، توکل و توسل بر او و اطاعت از اوامر و پرهیز از نافرمانی‌اش است. این احساس عمیق، شورانگیز، عاشقانه و برانگیزاننده است و نتایجی چون ایثار، تلاش و پایمردی و شهادت‌طلبی در راه خدا و سعادت بشریت را به همراه دارد. (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۸)

دستآورد دیدگاه غیرتوحیدی به خداوند در جامعه‌ای که در معرض تهدیدهای توسعه‌طلبانه است، پذیرش توسعه‌طلبی است که با توجیهاتی همچون ناتوانی در مقابله با قدرت برتر و ترس از مرگ همراه است. دیدگاه توحیدی به خداوند و آخرت، حسی به وجود می‌آورد که امام حسین علیه السلام آن را در عبارتی کوتاه، اما پرمعنا بیان فرمود: «موتٌ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ... إِنِّي لَأَرَى الْمَوْتَ إِلًّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلًّا بَرَمًا». (مجلسی، بی‌تا: ۴۴ / ۱۹۲) مفهوم کلی این سخنان، نپذیرفتن زیاده‌خواهی قدرت‌های برتر، حتی به قیمت از دست دادن جان است؛ زیرا پیروان این مکتب، مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند. تاریخ هم ثابت کرده که این اعتقاد، ضربات زیادی به توسعه‌طلبان زده است.

دیدگاه توحیدی، به پیروانش می‌آموزد که در مقابل مشکلات، تنها نیستند و خدا یار و یاور آنهاست. ممکن است در ظاهر امر به نظر برسد که معتقدان توحیدی گرایش بیرونی دارند، ولی این یک برداشت سطحی است. آنها در کنار این اعتقاد که خدا مشکلاتشان را حل می‌کند، توجه دارند که این امر، در قالب حمایت و پشتیبانی خداوند از آنها برای رسیدن به اهدافشان است. (کوشکی و خلیلی‌فر، ۱۳۸۹: ۳۴ و ۳۵)

گفتنی است برداشت سطحی از این دیدگاه، یعنی این برداشت که خداوند، همه مشکلات را بدون اقدام موحدان برطرف می‌کند و وظیفه آنها فقط دعا برای تحقق این امر است، آفتی

برای جامعه مقاوم است. بزرگان دینی وظیفه دارند که با ترویج این گونه اندیشه‌ها مبارزه کنند و مردم را برای مقاومت در برابر توسعه‌طلبان آماده سازند تا در کنار حرکت و اقدام خود، شاهد امدادهای غیبی خداوند باشند.

۲. وحدت ملی در رویارویی با توسعه‌طلبی

یکی از زمینه‌های ایجاد جامعه مقاوم، این است که اکثریت جامعه به این نتیجه برسند که کشور از جانب توسعه‌طلبان تهدید می‌شود. خداوند نیز در آیات قرآن کریم ضمن تقبیح تفرقه، جامعه اسلامی را به وحدت توصیه می‌کند و تنها راهکار رسیدن به وحدت را، تمسک به دستورات الهی یا همان اسلام ناب می‌داند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران / ۱۰۳) و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ». (آل عمران / ۱۰۵)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز همواره اصحاب خود را به برادری و وحدت فرا می‌خواند و می‌فرمود: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ، وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ». (السید، ۱۹۸۶) حضرت علی علیه السلام را باید اسوه وحدت نامید؛ زیرا پس از رحلت پیامبر ﷺ با اینکه خلافت و امامت را بر اساس سفارش آن حضرت، حق مسلم خویش می‌دانست، هرگز حاضر به تفرقه نشد و برای حفظ وحدت و انسجام جامعه اسلامی، از هیچ همکاری و کوششی دریغ نکرد.

امروزه وحدت، بیشتر در قالب ملی مطرح می‌شود که حول محورهای مختلفی در جامعه شکل می‌گیرد. مؤلفه‌های وحدت ملی از نظر برخی اندیشمندان، سرگذشت تاریخی، میراث فرهنگی، هدف، دین و از دیدگاه برخی دیگر، فرهنگ، پرچم، محدوده جغرافیایی و زبان است. در یک جمع‌بندی کلی از نظریات مختلف، می‌توان دین و مذهب، سرزمین و دولت واحد، زبان رسمی، آداب و رسوم و تاریخ مشترک را عناصر تشکیل‌دهنده وحدت ملی دانست. (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۰ و ۱۱۱)

۳. کم‌رنگ شدن نقش عوامل جغرافیایی

از دیگر زمینه‌های ایجاد وحدت ملی، کم‌رنگ شدن نقش عوامل جغرافیایی است؛ به این معنا

که جامعه با وجود فاصله‌های جغرافیایی، موانع طبیعی، عوامل جمعیتی و قومی، از اصل مقاومت در برابر تهدید توسعه‌طلبی حمایت کنند. به بیان دیگر، مردم کشور اگرچه از اقوام و طوایف ساکن در سرزمین‌های دور و نزدیک هستند، در مقاومت در برابر توسعه‌طلبان، مسئولیت‌پذیر باشند و مقاومت، منحصر به یک قوم یا نژاد در یک محدوده سرزمینی، مذهبی و قومی خاص نباشد.

ریشه اصلی بحران جمعیتی در بیشتر جوامع ناهمگن، به این واقعیت برمی‌گردد که آن جامعه از اقوام و طایفه‌های مختلف تشکیل شده است. ناگفته پیداست که ترکیب جمعیتی انسانی ناهمگون، در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی دچار تنش و چالش خواهد بود. ایجاد یک جامعه مقاوم، مستلزم حل و فصل این بحران درونی است. شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی را با عوامل وحدت‌آفرین، همچون درک وجود تهدید توسعه‌طلبی از سوی دشمن مشترک، می‌توان مدیریت کرد.

فکر تسلط بیگانگان بر جامعه موجب حساسیت جامعه نسبت به تهدید می‌شود و در نتیجه در برابر آن واکنش نشان می‌دهد. این امر به معنای وحدت نظر در همه زمینه‌ها نیست، بلکه هر گروه، حزب و حتی شخص، می‌تواند ایدئولوژی و افکار خود را در موضوعات مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته باشد، ولی در موضوع وجود تهدید باید به یک وحدت نسبی برسند.

۴. مشارکت عمومی

یکی دیگر از زمینه‌های ایجاد جامعه مقاوم، مشارکت عمومی اقشار مختلف جامعه در عرصه مقاومت در برابر خطر توسعه‌طلبی است. همکاری و مشارکت انسان‌ها یکی از عوامل تداوم حیات بشری بوده که زیربنای آن، پذیرش اصل برابری مردم؛ و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد یک جامعه انسانی در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

اساس و شالوده مشارکت عمومی، مشارکت عامه مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود است که در قالب دو نوع مشارکت خودانگیخت‌های خودجوش و مشارکت

برانگیخت‌های بسیج‌شده است. مشارکت خودانگیخته، معلول سطح بالای تحصیلات و آگاهی و فرهنگ سیاسی ریشه‌دار و قوی است که با عوامل اقتصادی و اجتماعی، ایدئولوژیکی، ساختاری یا تاریخی و عوامل فرهنگی و سیاسی محقق می‌شود. (آسایش زارچی، ۱۳۸۹: ۱)

در مشارکت برانگیخته، تشویق به مشارکت، به نوعی از بیرون به جامعه تزریق می‌شود. برخی از جامعه‌شناسان همچون راجرز^۱ مشارکت برانگیخته از سوی دولت را از راه برنامه‌ریزی، راه‌حلی برای تحریک مشارکت عمومی در جوامع جهان سوم که سطح پایینی از تحصیلات و آگاهی و فرهنگ سیاسی دارند، برمی‌شمارد. (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۹: ۳۸)

اندیشمندان علوم سیاسی، مشارکت را در مورد موضوعات انسانی به کار می‌برند که قصد دارند با ایجاد تحولاتی در عرصه قدرت، وضعیتی نامطلوب را به وضعیت مطلوب تغییر دهند. این نوع از کنشگری در بازی‌های قدرت، به سازه‌ها و ساختارهای جمعی بستگی دارد که در فرهنگ سیاسی هر کشور بازتاب می‌یابد. (رهبر و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۱) هانتینگتون و نلسون (Huntington and Nelson, 1976) اعتقاد دارند که مشارکت عمومی متأثر از دو عامل است: نخست، تحرک اجتماعی که به کسب منزلت اجتماعی بالاتر برای فرد بینجامد و در نتیجه توانمندی و قدرت اثرگذاری‌اش افزایش یابد؛ دوم، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی که فرد با عضویت در آنها، امکان و موقعیت بهتری برای مشارکت پیدا می‌کند. (وثوقی و هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۶۹)

در جامعه مقاوم، مردم باید در تصمیم‌گیری‌ها نقش پررنگی داشته باشند؛ بین خود و تصمیم‌گیرندگان فاصله نبینند و نقش خود را در تصمیم‌گیری‌ها احساس کنند. اگر جامعه، دولت را از خود نداند و تمام وظایف خویش را به دولت واگذار کند، این امر موجب ایجاد جامعه منفعل می‌شود. در جامعه مقاوم باید امکان اظهارنظر، انتقاد و حتی مخالفت کردن با خواست تصمیم‌گیرندگان، با حفظ اصولی همچون حرمت، جلوگیری از تفرقه و سوء استفاده دشمنان، وجود داشته باشد؛ زیرا جلوگیری از بیان نظریه‌ها و اعتقادات، موجب سرخوردگی افراد جامعه و زمینه‌ساز انفعال و مفاسدهی همچون خیانت خواهد شد.

1. Rogers.

۵. مبارزه با اشکال مختلف فساد در جامعه

عامل دیگر در ایجاد جامعه مقاوم، جدیت در مقابله با اشکال مختلف فساد در اقشار جامعه است. فساد، امری نسبی است که با نظام ارزش‌های جامعه مرتبط است و به رفتار خاصی اطلاق می‌شود که با ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و درجه تحمل جامعه ارتباط می‌یابد. زمانی به فرد، مفسد گفته می‌شود که یک هنجار را می‌شکند یا قانونی را نقض می‌کند و رفتارش از رفتار عادی و مورد قبول جامعه، منحرف است. (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۰) فساد دارای انواع مختلفی است که سه مورد اصلی آن عبارتند از: فساد مالی و اداری، فساد اجتماعی و فساد اخلاقی.

اصلاح فساد در جامعه، با مشارکت و نظارت همگانی، شامل دولت، مردم و دستگاه فرهنگی و مذهبی، میسر می‌شود. کنترل و نظارتی که فقط از سوی دولت اعمال شود، به دلایلی از قبیل جایگزین کردن اهداف سیاسی به جای اهداف اجتماعی، با سطوح ناکارآمد فعالیت بوروکراتیک روبه‌روست. کشورهایی در مبارزه با فساد، موفق‌تر بوده‌اند که همه ارکان جامعه در امر مقابله با فساد، با همدیگر همکاری کرده‌اند. (همان: ۴۱) جامعه مقاوم باید جامعه‌ای پویا و سالم باشد؛ در حالی که فساد باعث تباهی جامعه می‌شود.

۶. وجود نسبی عدالت اجتماعی

از دیگر زمینه‌های ایجاد جامعه مقاوم، وجود نسبی عدالت اجتماعی بین افراد جامعه است. عدالت، یکی از مسائل حیاتی جامعه بشری است که در سطح مباحث نظری، از گذشته‌های دور تاکنون مورد توجه ویژه بوده است. مفهوم عدالت اجتماعی حداقل از زمان افلاطون و ارسطو تاکنون، دغدغه اندیشمندان و روشنفکران بوده و هست، ولی آنچنان که شایسته است در صحنه عمل به آن توجه نشده، تا ابعاد گوناگونش بر اساس نیاز جوامع انسانی تئوریزه شود.

فقدان عدالت اجتماعی در میان جوامع، خود دلیل این مدعاست. (مرصوصی، ۱۳۸۶: ۱۰۷)

اسلام نیز بر این امر تأکید داشته است. (عسکر، ۲۰۰۶: ۱۲ و ۱۳) خداوند در قرآن کریم، انسان‌ها را به رعایت و گسترش عدالت ترغیب کرده است و یکی از اهداف بعثت پیامبران را همین امر برمی‌شمارد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ

التَّاسُّ بِالْقِسْطِ». (حدید / ۲۵) حضرت علی علیه السلام مهم‌ترین هدف خود را از پذیرش خلافت، اجرای عدالت اجتماعی بیان می‌کند و به کارگزارانش می‌فرماید: «بهترین چیزی که مایه روشنی چشم زمامداران و مسئولان است، همانا گسترش عدل و داد در بلاد است». (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۰۳)

علامه طباطبایی ضمن تبیین عدالت اجتماعی، آن را موضوعی همگانی می‌داند که همه ارکان جامعه، از فرد تا حکومت، در تحقق آن مسئولند. ایشان درباره این وظیفه می‌فرماید:

این خصلتی است اجتماعی که فرد فرد مکلفین مأمور به انجام دادن آن هستند؛ به این معنا که خدای سبحان دستور می‌دهد هر یک از افراد اجتماع، عدالت را برقرار کنند و لازمه آن، این می‌شود که این امر متعلق به مجموع آنان نیز بوده باشد. پس هم افراد، مأمور به اقامه این حکم هستند و هم جامعه که حکومت، عهده‌دار زمام آن است. (عیوضلو، ۱۳۸۷: ۴۵)

در ساختار اساسی جامعه، عدالت موضوع توافق اولیه افراد است و از آنجا که جامعه مقاوم، ساختاری اجتماعی دارد، بیشتر به عدالت اجتماعی توجه می‌شود. (دیرباز و مهری، ۱۳۸۹: ۵۴) کم‌توجهی به عدالت اجتماعی، به تدریج موجب گسست اجتماعی می‌گردد و جامعه را به سرعت به سوی انفعال و بحران‌های اجتماعی جدی سوق می‌دهد. (المولی، ۲۰۰۳) تأثیر اصلی کم‌توجهی به عدالت اجتماعی، بی‌اعتنایی به سرنوشت یکدیگر و سرزمین خود در برابر تهدیدها یا حتی توسعه‌طلبی است.

۷. تقویت هویت ملی

یکی دیگر از زمینه‌های ایجاد جامعه مقاوم، تقویت هویت ملی افراد جامعه است. واژه هویت^۱ از نظر لغوی، به هستی، وجود، شخصیت و سرشت معنا شده است. از لحاظ مفهومی نیز به پاسخ آگاهانه هر فرد، قوم یا ملت به پرسش‌ها درباره تعلقات خود، هویت گفته می‌شود. هویت در سطوح فردی و گروهی معنا می‌یابد و مفاهیمی چون تمایز و دیگری در آن وجود دارد. هویت فردی به درک شخص از نگرش‌ها، توانایی‌ها، استعدادها و آنچه خود را جزو آن

1. Identity.

به حساب می‌آورد، گفته می‌شود. (شفیعی تبار و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۸) در این زمینه، هگل معتقد بود فرد نمی‌تواند بدون شناخته شدن به وسیله دیگران، هویت خود را به دست آورد؛ چون هویت فرد وابسته به شناسایی دیگران از اوست. (تاجیک، ۱۳۸۶: ۲۵ و ۲۶)

هویت ملی از جنس هویت گروهی است و عنصر جدایی یک جامعه بشری از جامعه بشری دیگر به شمار می‌رود. (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۳) این هویت، یکی از فراگیرترین و مهم‌ترین سطوح هویت در اکثر نظام‌های اجتماعی است که در حوزه‌هایی همچون فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد اثر می‌گذارد و به عنوان مؤلفه نظم و انسجام اجتماعی، به میزان آگاهی و احساس تعلق و وفاداری یک ملت به نمادهای مشترک، همچون دین اسلام بستگی دارد. همچنین تحت تأثیر عواملی چون جهانی شدن رسانه‌ها، رضایت اجتماعی در زمینه کار، زندگی و تحصیل و بالاخره جایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه است. (ملکی و عباسپور، ۱۳۸۷: ۱۵۹)

اگر جامعه‌ای اصول هویتی خود را نادیده بگیرد و هویت‌های دیگر برای خود تعریف کند، دچار بحران هویت می‌شود؛ زیرا هویت‌های دیگر، ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی جامعه پذیرنده را در روند تاریخی و فرهنگی طی نکرده‌اند و همین امر جامعه را به شدت ضعیف و در نتیجه منفعل می‌کند. در اینجا باید با روش‌های علمی و کاربردی، هویت ملی را که هویت اسلامی جزء جدایی‌ناپذیر آن است، به درستی تقویت کرد تا جامعه مقاوم بر پایه این هویت، بتواند خطرها را پشت سر بگذارد.

۸. داشتن متحدان خارجی

یکی از عوامل ایجاد جامعه مقاوم، وجود کشورهای حامی و متحدان خارجی است. دولت‌ها در مقام نقش‌آفرینان اصلی عرصه نظام بین‌الملل، همواره بر اساس منافع ملی یا ایدئولوژیک خود عمل می‌کنند. تصمیم‌گیران سیاست خارجی یک کشور، هرگاه متوجه شوند که حمایت از یک پدیده یا جریان خارجی - به شکل خاص در بحث ما، کشور مورد تهدید توسعه‌طلبی - موجب دستیابی به منافع و مقبولیت و یا ضربه زدن به دشمن یا رقیب جهانی و منطقه‌ای می‌شود، به فکر بهره‌برداری از آن می‌افتند. این همسویی منافع در برخی اوقات، کمکی به

تحقق اهداف کشور مورد تهدید و تضعیف قدرت عامل توسعه‌طلب خواهد بود؛ چون هر موضوعی در سیاست خارجی، همچون صنعت است که داده، ستاده و ارزش افزوده دارد و ورودی و خروجی آن نظام‌مند است. برای مثال، داده یا ورودی، کسب حمایت قدرت خارجی است که رقیب قدرت توسعه‌طلب است و ستاده یا خروجی آن، ضربه به دشمن مشترک است. رهبران سیاسی دولت‌های مختلف به خوبی می‌دانند که پیش‌بینی تحولات کشوری که مورد تهدید توسعه‌طلبان است، بسیار دشوار است، اما هرگونه رویکرد و اظهارنظر آنها، بر روابطشان با نظام حال یا آینده آن کشور، اثر می‌گذارد.

بر همین اساس ضمن تأمین منافع خود، از حمایت خارجی به صورت مختلف می‌توان استفاده کرد؛ از جمله:

- دریافت حمایت در عرصه سیاسی و همچنین مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای؛
- گرفتن وام و کمک مالی برای بخشی از هزینه‌های جاری کشور؛
- دریافت تسلیحات مورد نیاز برای مقاومت؛
- تأمین کالاهای ضروری و استراتژیک که تهیه آنها برای کشور مورد تهدید توسعه‌طلبی، مقدور نیست؛
- دریافت کمک در قالب کارشناسان و مستشاران نظامی، سیاسی و فنی برای طراحی و برنامه‌ریزی.

متحد خارجی، محدود به کشور خارجی نیست، بلکه ارتباط قوی هم‌وطنان مقیم خارج از کشور نیز یکی از مصادیق متحد خارجی است. این افراد عموماً از نخبگان محل سکونت خود هستند که از نظر تحصیلات، تخصص و ثروت، در رتبه بالایی قرار دارند. (طباطبایی، ۱۳۸۸)

هم‌وطنان مقیم خارج از کشور با استفاده از توان اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود و ایجاد لابی، می‌توانند کشور محل اقامتشان را برای حمایت از دولتمردان کشور خویش یا دست‌کم همراهی نکردن با توسعه‌طلبان، در فشار قرار دهند. همچنین آنها به دلیل نداشتن محدودیت‌های اقتصادی و بانکی در کشور محل اقامت خود، می‌توانند به طرق مختلف به هم‌وطنانشان کمک کنند.

۹. استقلال نسبی از خارج

با توجه به آنچه درباره لزوم داشتن حامی خارجی گفته شد، وجود استقلال نسبی کشور مورد تهدید نیز ضروری است. واژه استقلال در فرهنگ‌نامه دهخدا، به «خودی خود به کاری برباستادن» و «خود کاری ایستادن بی شرکت غیری» معنا شده است. بنابراین، یکی دیگر از زمینه‌های ایجاد جامعه مقاوم، استقلال نسبی یا خودکفایی جامعه در امور اقتصادی و نظامی است.

اصل استقلال و خودکفایی همواره مورد نظر جوامع بوده است، به طوری که در بیشتر قوانین اساسی کشورها بر این نکته تصریح شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول سوم، سی‌ام، چهل و سوم، یکصد و پنجاه و دوم و یکصد و پنجاه و چهارم بر استقلال تأکید شده است. برای مثال، اصل سوم بند سیزدهم، به صراحت بیان می‌کند که دولت جمهوری اسلامی ایران، موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: «...۱۳. تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها».

تفکر مبتنی بر استقلال و کاهش وابستگی به خارج، در حوزه امنیتی و دفاعی اهمیت بیشتری دارد تا در حوزه‌های اقتصادی، علمی، انرژی و فناوری؛ زیرا وابستگی به خارج در این امور، تهدیدی جدی برای امنیت ملی است. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۸: ۱۸۵) به طور کلی، جامعه مقاوم باید با وجود انواع تحریم‌ها و محدودیت‌ها بتواند با کمترین نیاز به کمک‌های خارجی، نیازهای عادی معیشتی و نظامی خود را تأمین کند تا در یک پروسه بلندمدت، طرح‌های توسعه‌طلبان را نقش بر آب سازد.

۱۰. وجود تشکیلات صحیح برای مدیریت جامعه

یکی دیگر از زمینه‌های ایجاد جامعه مقاوم، وجود تشکیلاتی است که با تنظیم و مدیریت روابط بین افراد احزاب و گروه‌های مختلف، تحقق اهداف جامعه، از جمله مقابله با تهدید توسعه‌طلبی را پیگیری کند. انسان موجودی آرمان‌گراست و دستیابی به آرمان ممکن نیست، مگر با ابزار و روش مناسب. انسان به اقتضای اندیشه و شناخت شرایط و شواهد عینی که به

پیش‌بینی اتفاقات محتمل می‌انجامد، نیازمند انتخاب شیوه‌هایی است که وی را در رسیدن به اهداف و حفظ روحیه آرمان‌خواهی‌اش، تقویت و تجهیز کنند. (الحسینی، ۱۹۸۱)

تحقق آرمان‌ها و اهداف جامعه، از طریق طراحی سازمان‌ها، نظام‌ها و روش‌های مناسب، در تشکیلات صحیح تحقق می‌یابد. هر تشکیلات صحیحی برای رسیدن به اهداف خود، به عناصری چون انسان منظم و برنامه درست نیاز دارد. گفتنی است که در کشورهای مورد تهدید توسعه‌طلبی، دولت و در کشورهای اشغال‌شده، یک تشکیلات زیرزمینی یا در تبعید، این وظیفه را انجام می‌دهند.

لازمه تشکیلات قدرتمند و مؤثر، وجود شخص یا گروه رهبری است که بین اکثر افراد احزاب و گروه‌های یک جامعه، دارای مقبولیت نسبی باشد. امروزه رهبری و چگونگی اعمال آن، موضوع مهمی است که به صورت روندی از قدرت و نفوذ بر اعضا و گروه‌ها در جامعه تعریف می‌شود و تأثیر مستقیم بر اعضا و گروه‌ها بر اثر تقسیم قدرت بین آنها دارد. (مصباح، ۲۰۰۳)

رهبر جامعه مقاوم، به عنوان سر و نماد آن دارای وظایفی است که عبارتند از:

- مدیریت تدوین استراتژی‌های درازمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت؛

- هدایت اعضا و گروه‌های درون جامعه؛

- برقراری ارتباط با کشورهای دیگر؛

- کاهش اختلافات بین افراد احزاب و گروه‌های جامعه از طریق مدیریت بحران؛

- ایجاد مکانیزم مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها.

تحقق وظایف رهبری، مستلزم نداشتن فساد سیاسی، اقتصادی و اخلاقی شخص یا گروه رهبری است؛ زیرا اگر افراد جامعه احساس کنند که رهبر جامعه به دنبال اهداف شخصی است، از پیروی کردن از او خودداری می‌کنند؛ چرا که در جامعه مقاوم، حکومت با زور و تزویر وجود ندارد، بلکه رهبری باید بر قلوب مردم فرمان براند تا هر فرمانی را با دل و جان بپذیرند.

۱۱. ارائه الگوی مناسب برای جامعه

برای تشکیل جامعه مقاوم، انجام دادن کار فرهنگی و مذهبی مؤثر و مداوم نیز لازم است که این امر، مستلزم استفاده از اشخاص متخصص و کاردان در این حوزه‌هاست. این اقدامات را

واعظان بر منابر، هنرمندان در زمینه‌های هنری، و روشنفکران در حوزه فکری انجام می‌دهند و جامعه را از نظر زیربنای فرهنگی و اعتقادی، آماده مقابله با هر تهدیدی می‌کنند. یکی از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی و مذهبی، ارائه الگوی مذهبی و ملی است که مصادیقی چون مبارزه با توسعه‌طلبی و ظلم، در آن برجسته باشد. این الگوها برای مؤثر بودن باید دارای چند پیش‌شرط باشند:

واقعی بودن: یکی از پیش‌شرط‌های الگوی مؤثر، واقعی بودن و افسانه نبودن آن است. افسانه‌ها به دلیل غیرواقعی بودن، دارای غلو و بزرگ‌نمایی و اقداماتی خارج از توان انسانی هستند. همین امر، موجب باورپذیر نبودن و تطبیق‌ناپذیری آنها با اوضاع کنونی می‌شود و از تأثیر فرهنگی‌شان به شدت می‌کاهد. بنابراین، افسانه نمی‌تواند الگوی چندان مناسبی برای جامعه باشد. در مقابل، یک الگوی واقعی این باور را ایجاد می‌کند که مردم عادی با پیروی از آن در شرایط امروزی، به اهداف خود دست می‌یابند.

مورد پذیرش اکثریت: یکی دیگر از پیش‌شرط‌های الگوی مؤثر، پذیرفته بودن الگو نزد اکثریت جامعه است؛ زیرا اگر بخشی از جامعه این الگو را بپذیرند و بخشی دیگر نپذیرند، از تأثیر الگو کاسته می‌شود و کارکرد خود را به دلیل انتقادات مخالفان از دست می‌دهد.

تناسب با اعتقادات و فرهنگ جامعه: پیش‌شرط دیگر الگوی مؤثر، تناسب داشتن آن با اعتقادات و فرهنگ جامعه است. اگر الگویی از فرهنگ و مذهب دیگر در جامعه رواج پیدا کند، اگرچه تأثیر موقت داشته باشد، به دلیل ناسازگاری با روند تاریخی مذهبی و فرهنگی جامعه، دچار استحاله می‌شود و کارکرد خود را از دست می‌دهد.

بنابراین، الگوی متناسب نقش بسزایی در شکل‌گیری جامعه مقاوم دارد. برای نمونه از جمله الگوهای اسلامی در مورد جامعه مقاوم، جامعه مسلمانان صدر اسلام هستند که تحت فشار سران مکه، در مقابل مشکلاتی چون تحریم، شکنجه، تحقیر و حتی کشتار، صبر و مقاومت کردند. این جامعه مقاوم با رهبری حضرت رسول ﷺ توانست بر مشکلات چیره شود و به اهداف خود برسد.

الگوی دیگر برای جامعه شیعی، واقعه کربلا و قیام امام حسین علیه السلام علیه زیاده‌خواهی حکومت اموی است که آن حضرت برای اثبات آرمان خود، خانواده و یارانش را تا شهادت و اسارت برد.

این اقدام شجاعانه و آزاده‌خواهی و مقاومت جامعه کوچک تحت امر امام حسین علیه السلام، زمینه‌ساز قیام‌های بعدی و در نهایت نابودی حکومت عریض و طویل اموی شد.

۱۲. حضور فعال در عرصه تبلیغاتی و رسانه‌ای

از دیگر لوازم تشکیل جامعه مقاوم، حضور فعال در عرصه تبلیغاتی و رسانه‌ای در جامعه است که بخش نرم‌افزاری آن به اشکال صوتی، تصویری، اینترنتی و مکتوب است. دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای، نقشی مهم در گردش اخبار و اطلاعات در میان مردم یافته‌اند. گسترش این نقش، تأثیر زیادی در افکار عمومی داشته (البدرانی، ۲۰۱۱: ۱۵۳) و کنترل آن را از اختیار دولت‌ها خارج کرده و دارای دو کارکرد مثبت و منفی است: افزایش آگاهی، ایجاد بحران‌های سیاسی، اجتماعی و روانی.

اگر روند اطلاع‌رسانی مستمر باشد، موجب ارتباط مردم با اهداف جامعه مقاوم و از سوی دیگر، مانع گسترش یک‌سویه اخبار و تبلیغات می‌شود. جامعه مقاوم باید باور داشته باشد که غیر از تهدید شدن از جانب توسعه‌طلبان، درگیر یک جنگ روانی سنگین یا به تعبیر مقام معظم رهبری، جنگ نرم است که لازمه مقاومت در برابر آن، حضور همه‌جانبه در عرصه تبلیغاتی و رسانه‌ای است.

باید پذیرفت که گاهی جریان تبلیغاتی و رسانه‌ای قدرت توسعه‌طلب، بسیار قوی‌تر است، ولی این دلیلی برای فعالیت نکردن در این حوزه نیست و دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای جامعه مقاوم هرچند با امکانات اندک، باید از هر فرصتی و ابزاری برای رساندن پیام و اخبار واقعی به مردم، نهایت استفاده را بکند. دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای جامعه مقاوم باید دارای چند ویژگی باشد تا اعتماد عمومی را از دست ندهد:

صداقت: یکی از ویژگی‌های اصلی دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای جامعه مقاوم، صداقت آن است. برنامه‌ریزان دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای باید به این نکته دقت زیادی داشته باشند؛ زیرا در صورت بی‌صداقتی، اعتماد عمومی از آن سلب می‌شود که آسیب جبران‌ناپذیری به جامعه مقاوم وارد می‌کند.

پرهیز از کوچک‌شماری قدرت توسعه‌طلب: یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی دستگاه تبلیغاتی و

رسانه‌های جامعه مقاوم، پرهیز از کوچک‌شماری قدرت توسعه‌طلب و بزرگ‌نمایی قدرت خود است؛ زیرا موجب احساس امنیت کاذب و کاهش حساسیت مردم به تهدید توسعه‌طلبان می‌شود. ترویج روحیه و فرهنگ مقاومت: از دیگر ویژگی‌های اصلی دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌های جامعه مقاوم، ترویج روحیه و فرهنگ مقاومت در جامعه است؛ زیرا این دستگاه از ابزارهای مهم و زمینه‌ساز در آگاه‌سازی مردم به شمار می‌رود.

کیفیت مناسب: دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌های جامعه مقاوم، باید دارای کیفیت مناسب در ارائه برنامه‌ها باشد؛ زیرا کیفیت مناسب موجب جلب نظر مخاطبان و جذابیت برنامه‌ها می‌شود. این امر مستلزم استفاده از کارشناسان فرهنگی و هنری خبره است و اثربخشی برنامه‌ها را در جامعه افزایش می‌دهد.

دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های که برای اطلاع‌رسانی به جامعه مقاوم استفاده می‌شود، دارای انواع زیادی است که به چند مورد مؤثر آن در دوران کنونی اشاره می‌کنیم. (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: عبدالحمید، ۲۰۰۴؛ ابوصعب، ۱۹۹۹؛ عبدالله، سنو، ۲۰۰۱)

الف) رسانه‌های مکتوب: رسانه‌های مکتوب، شامل جراید، کتب و جزوه‌های خبری و تبلیغی، از شیوه‌های سنتی عرصه تبلیغاتی و رسانه‌های به شمار می‌رود که همچنان یکی از ابزارهای پرنفوذ این عرصه است.

ب) شبکه‌های ماهواره‌ای صوتی و تصویری: این شبکه‌ها که از برد رسانه‌های زیادی در جهان امروز برخوردارند، به ابزار مهمی برای فعالیت‌های سیاسی و اعتراض‌ها و همین‌طور پیشبرد اهداف قدرت‌های صاحب رسانه تبدیل شده‌اند.

ج) شبکه‌های اینترنتی: در دنیای کنونی، شبکه‌های اینترنتی یکی از اصلی‌ترین مجاری خبری و اطلاعات است که به دو صورت عمومی وجود دارد: نخست وبلاگ‌ها هستند که بیشتر به کار خبری و اطلاع‌رسانی می‌پردازند؛ نوع دیگر، شبکه‌های اجتماعی^۱ مانند فیس‌بوک^۲ و توئیتر^۳ هستند که به یکی از مؤثرترین عوامل تسریع انتقال اطلاعات و اخبار، ابراز مخالفت و

1. The Social Network.

2. Facebook.

3. Twitter.

آگاهی‌بخشی و در برخی مواقع، جهت‌دهی به مردم تبدیل شده‌اند. (تربان، ۲۰۰۸: ۱۷) کاربران اصلی آن، یعنی نسل جوان، از این ابزار برای تبادل اطلاعات استفاده می‌کنند. برخلاف تصور سنتی که معتقد است برای ایجاد جامعه مطیع در برابر خواست دولتمردان، باید سطح سواد مردم را پایین نگه داشت، جامعه مقاوم نیازمند سطح آگاهی و سواد بالاست؛ زیرا در این جامعه جریان‌های خبری زیادی وجود دارد و افراد کم‌سواد به راحتی تحت تأثیر تبلیغات طرف قوی‌تر قرار می‌گیرند که این امر، جامعه مقاوم را دچار چالش جدی می‌کند.

نتیجه

الگوی جامعه مقاوم که فکر اولیه آن را امام موسی صدر برای جامعه لبنان علیه توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی مطرح کرد، جامعه‌ای است در مقابل جامعه منفعل که ویژگی‌های آن عبارتند از: مشارکت عمومی بالا، جدیت در مبارزه با اشکال مختلف فساد در جامعه، تلاش برای تحقق نسبی عدالت اجتماعی، تقویت وحدت ملی در موضوع تهدید از جانب توسعه‌طلبان، فعال کردن متحدان خارجی و هم‌وطنان مقیم خارج در زمینه‌های مختلف، تلاش برای حفظ استقلال نسبی از خارج، وجود تشکیلات صحیح برای مدیریت جامعه، ارائه الگوی مناسب برای مقاومت بیشتر، ترویج دیدگاه توحیدی و بالاخره حضور فعال در عرصه تبلیغاتی و رسانه‌ای.

جامعه مقاوم می‌تواند مانعی بزرگ در برابر توسعه‌طلبی قدرت‌های بزرگ همچون ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب باشد که می‌کوشند گفتمان‌های ارزش محور، ظلم‌ستیز و استقلال‌خواهی همچون انقلاب اسلامی را از بین ببرند. با وجود جامعه مقاوم، این خط اصیل می‌تواند در برابر شدیدترین تهدیدهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مقاومت کند.

برای دستیابی به یک نظریه کاربردی در این حوزه، تلاش گسترده نظری و علمی میان‌رشته‌ای دو طیف اندیشمندان دانشگاهی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و نیز کارشناسان حوزوی از یک سو و دستگاه‌های اجرایی و فرهنگی از سوی دیگر لازم است تا این نظریه را با شرایط کنونی انقلاب اسلامی ایران تطبیق دهند و به روز کنند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. أبو أصعب، صالح، ۱۹۹۹، *تحديات الإعلام العربي، دراسات الإعلام، المصدقيه، الحديه، والهيمنه الثقافيه*، عمان، دار الشروق.
۴. آسایش زارچی، محمدجواد، ۱۳۸۹، «زمینه‌های فرهنگی مشارکت سیاسی»، *فصلنامه مدیریت فرهنگی*، شماره چهار، شماره مسلسل نه، پاییز.
۵. افتخاری، اصغر، سیدرضا حسینی و حسین خزلی، ۱۳۸۷، «مدیریت انتظامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقایسه آن با دیدگاه‌های حضرت علی علیه السلام»، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۸۷.
۶. امام‌زاده فرد، پرویز، ۱۳۸۹، «بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست: از دوران باستان تا زمان معاصر»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دوم، شماره هفتم، بهار ۸۹.
۷. البدرانی، فاضل محمد، ۲۰۱۱، *الإعلام صناعة العقول*، بیروت، منتدى المعارف.
۸. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۶، «روان‌کاوی و سیاست»، *فصلنامه پژوهش علوم سیاسی*، شماره چهارم، بهار و تابستان ۸۶.
۹. ترابان، ماجد سالم، ۲۰۰۸، *الاتترنت و الصحافه الالكترونيه، «رؤیة مستقبلیه»*، القاهره، الدار المصریه اللبنايه.
۱۰. جهانیان، منوچهر، مهدی قرخلو و ابتهال زندگی، ۱۳۸۹، «مقدمه‌ای بر هم‌بستگی ملی با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگ و گردشگری»، *فصلنامه جغرافیای انسانی*، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۸۹.
۱۱. الحسینی، السید محمد، ۱۹۸۱، *النظریه الاجتماعیه و دراسه التنظيم*، القاهره، دار المعارف.
۱۲. حسینی، سید محمد، ۱۳۸۶، «معنویت و نقش آن در مبارزه با دشمن»، *فصلنامه حصون*، شماره سیزدهم، پاییز.
۱۳. درخشه، جلال، ۱۳۹۰، *آفاق تمدنی انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۱۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۹، «مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط

بین الملل»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۸۹.

۱۵. دیرباز، عسگر و هژیر مهری، ۱۳۸۹، «نسبت نظریه عدالت جان رالز با فلسفه اخلاق کانت

و فلسفه حق هگل»، فصلنامه الهیات تطبیقی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۸۹.

۱۶. رستگار، عباس علی و سید حامد وارث، ۱۳۸۷، «خدا در سازمان: تلفیق و یکپارچگی

زندگی معنوی و زندگی کاری»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال سوم، شماره

یازدهم، پاییز ۸۷.

۱۷. رهبر، عباس علی، روح‌الله اسلامی و فاطمه ذوالفقاریان، ۱۳۹۰، «امکان‌های جهان‌زیستی

جمهوری اسلامی ایران برای مشارکت سیاسی»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره

شصت، پاییز ۹۰.

۱۸. زاهدی، شمس‌السادات، سینا محمدنبی و مهدی شهبازی، ۱۳۸۸، «بررسی عوامل مؤثر

بر کاهش فساد اداری (مطالعه موردی در شهرداری تهران)»، فصلنامه مدیریت فرهنگ

سازمانی، سال هفتم، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۸۸.

۱۹. سجادی، سید مهدی و سولماز نورآبادی، ۱۳۸۹، «تبیین و تحلیل ماهیت و کارکرد

میان‌رشته‌ای؛ فلسفه تعلیم و تربیت»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی،

دوره دوم، شماره دوم، بهار ۸۹.

۲۰. السید، رضوان، ۱۹۸۶، الأمة والجماعه والسلطه، دراسات فی الفكر السياسي العربی

الإسلامی، الطبعة الثانية، بیروت، دار اقرأ.

۲۱. شرف‌الدین، حسین، ۲۰۰۲، الإمام السید موسی الصدر محطات تاریخیه ایران - النجف

- لبنان، بیروت، مرکز الإمام موسی الصدر للابحاث و الدراسات.

۲۲. شفیع‌تبار، مهدیه، محمدعلی مظاهری، آسیه اناری و الناز ملحی، ۱۳۸۹، «رابطه حرمت

خود جمعی و هویت ملی در دانشجویان»، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، سال چهارم،

شماره سوم، پاییز ۸۹.

۲۳. الصدر، موسی، ۲۰۰۱، کلمه سواء، المقاومه و المجتمع المقاوم قراءات فی مسیره الإمام

موسی الصدر، بیروت، مرکز الإمام موسی الصدر للابحاث و الدراسات.

- ۳۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، سال اول، پاییز ۹۱، ش ۲
۲۴. الصدر، موسی، ۲۰۰۷، *حوراث صحیفه، تأسیساً لمجتمع مقاوم، الطبعه الثانيه، بیروت، مرکز الإمام موسی الصدر للابحاث و الدراسات.*
۲۵. طالب، مهدی و زهره نجفی اصل، ۱۳۸۹، «آموزه‌هایی از روند مشارکت روستایی در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره اول، شماره دوم، تابستان ۸۹.*
۲۶. طباطبایی، سیدعلی، ۱۳۸۸، «بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۸۸.*
۲۷. عبد الحمید، محمد، ۲۰۰۴، *نظریات الإعلام واتجاهات التأثير، القايره، عالم الکتب.*
۲۸. عسکر، عبدالمقصود، ۲۰۰۶، *العدل والسلام فی ظل الإسلام، القايره، دار التوزیع والنشر الإسلامیه.*
۲۹. عمید، حسن، ۱۳۷۵، *فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.*
۳۰. عیوضلو، حسین، ۱۳۸۷، «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۸۷.*
۳۱. فضل‌الله، هادی، ۲۰۰۳، *فکر الإمام موسی الصدر السیاسی والإصلاحی، بیروت، دار الهادی.*
۳۲. قاسمی، علی اصغر و غلامرضا ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰، «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، *فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره پنجاه و نهم، تابستان ۹۰.*
۳۳. قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، کامران کرمی و هادی عباس‌زاده، ۱۳۹۰، «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن»، *فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۹۰.*
۳۴. قهرمان‌پور، رحمن، ۱۳۸۸، «سیاست هسته‌ای آرژانتین و دلایل تغییر آن در دهه ۱۹۹۰»، *فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۴۶، زمستان ۸۸.*
۳۵. کمالیان، محسن و علی‌اکبر رنجبر کرمانی، ۱۳۸۶، *عزت شیعه: تاریخ شفاهی زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آیت‌الله امام موسی صدر، قم، صحیفه خرد.*
۳۶. _____، ۱۳۷۷، *عزت شیعه: گزارشی از مبارزات و مجاهدات آیت‌الله امام سید موسی صدر در احیاء حرکت اسلامی لبنان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.*

۳۷. کنعان، حسین، ۲۰۰۶، *موسی الصدر قدر ودور*، بیروت، دار النهار.
۳۸. کوشکی، شیرین و مهدی خلیلی فر، ۱۳۸۹، «نگرش مذهبی و منبع کنترل»، *فصلنامه اندیشه و رفتار*، دوره چهارم، شماره پانزدهم، بهار ۸۹.
۳۹. مجلسی، محمدتقی، بی تا، *بحار الأنوار* [منبع الکترونیکی].
۴۰. مرادی، فرشته، ۱۳۸۲، *سید موسی صدر؛ نگاهی به زندگی و مبارزات امام موسی صدر*، تهران، میعاد.
۴۱. مرصوصی، نفیسه، ۱۳۸۶، «تحلیلی جغرافیایی از تئوری‌های عدالت اجتماعی»، *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، دوره هفتم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۸۶.
۴۲. مصباح، عامر، ۲۰۰۳، *خصائص القيادة عند الرسول، دراسة من وجهة نظر علم النفس الاجتماعي*، الجزائر، دار هومه.
۴۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *جامعه و تاریخ*، تهران، صدرا.
۴۴. معیدفر، سعید، ۱۳۸۶، «اعتبار پول و بحران اجتماعی»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال دوم، شماره دوازدهم، شهریور و مهر ۸۶.
۴۵. ملکی، امیر و علیرضا عباسپور، ۱۳۸۷، «بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مؤلفه‌های آن»، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال دهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۳۹، تابستان ۸۷.
۴۶. مهام، محمود، ۱۳۸۹، «تغییرات پارادایمی در تحلیل مسائل اجتماعی: از رقابت تا همکاری»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۸۹.
۴۷. المولی، سعود، ۲۰۰۳، *العدل فی العیش المشترك*، بیروت، مرکز الحوار الدائم فی معهد الدراسات الاسلامیه المسيحیه فی جامعه القديس يوسف.
۴۸. مونکلر، هیرفید، ۲۰۰۸، *الإمبراطوريات، منطق الهيمنة العالميه، من روما القديمه إلى الولايات المتحدة الأمريكية*، الطبعة الأولى، ترجمه عدنان عباس علی، أبوظبي، مرکز الإمارات للدراسات والبحوث الاستراتيجيه.
۴۹. نوروزی، فیض‌الله و مهناز بختیاری، ۱۳۸۸، «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *فصلنامه راهبرد*، سال هجدهم، شماره ۵۳، زمستان ۸۸.

۵۰. وثوقی، منصور و عبدالرسول هاشمی، ۱۳۸۳، «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران»،

فصلنامه پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۱ و ۴۲، بهار و تابستان ۸۳.

51. Ajami, Fouad ,1986, *The vanished Imam: Mūsá al Sadr and the Shia of Lebanon*, London, I B Tauris.
52. Halawi, Majed ,1992, *A Lebanon defied: Musa al-Sadr and the Shi'a community*, Boulder, CO: Westview Press.
53. Huntington, Samuel P. and Nelson, Joan M. 1976, *No Easy Choice: Political Participation in Developing Countries*, Cambridge, Harvard University Press.
54. Lenski, Gerhard and Lenski, Jean ,1982, *Human Societies: An Introduction to Macrosociology*, New York, McGraw - Hill Book Company.
55. Nye, Jr., Joseph S. ,2004, *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York, NY: PublicAffairs.

Archive of SID

تحليل نظري اولى للنموذج المجتمع المقاوم لحفظ الثورة الاسلامية

* سيد جلال دهقانى فيروز آبادى

** حسين آجورلو

الخلاصة

السؤال الاساسى الذى يطرحه هذا المقال هو: ما هى طبيعة و خصوصيات المجتمع المقاوم بأعتبره مدخل للنظرية الاسلامية و الذى طرح افكاره الاولى الام موسى الصدر؟ و هل يمكن الاستفادة منه فى الحفاظ على الثورة الاسلامية فى ايران مقابل التهديداتى التوسعية للقوى العظمى؟
علماً ان المجتمع المقاوم يقع على الطرف الآخر للمجتمع المنفعل و من خصائصه انه يشكل عقبة اساسية امام توسع و سلطة القوى العظمى على البلدان الساعية للأستقلال السياسى و الاقتصادى.
و على هذا الاساس، يمكن الاستفادة من هذا النموذج كأحد الطرق للحفاظ على الثورة الاسلامية فى ايران، اذا ما جرى تحليله و تطبيقه بشكل صحيح مع الاخذ بالظروف القائمة.

الالفاظ المفتاحية

الثورة الاسلامية، المجتمع المقاوم، المجتمع المنفعل، التوسعية.

jdeghani20@yahoo.com

*. استاذ فى جامعة العلامة الطباطبائى.

hoajorloo@yahoo.com

** طالب دكتوراه فى مجال العلاقات الدولية و الدبلوماسية.

تاريخ القبول: ٢٠١٢/١١/٢

تاريخ الإستلام: ٢٠١٢/٧/٢٩